

اتفاق

واکنش به توقیف روزنامه «قانون»

شرایط قانونی فراهم نبوده دستگاه قضائی بازنگری کند

● انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در واکنش به توقیف روزنامه قانون اطلاعاتی‌ای صادر کرد. متن این اطلاعیه به این شرح است: «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با ابراز تأسف عمیق از توقیف روزنامه قانون امیدوار است مقامات محترم قضائی، با رعایت موازین قانونی و مفاد قانون مطبوعات و الزامات ناشی از قانون اساسی، در خصوص این تصمیم بازنگری کرده و با رفع اثر از دستور قضائی توقیف روزنامه قانون، امکان ادامه انتشار این روزنامه را فراهم آورند. خصوصا با بررسی دقیق‌تر مطلب مورد شکایت (عکس و تیتَر عکس صفحه یک روزنامه قانون مورخ ۷ اسفند ۹۷) به نظر می‌رسد شرایط قانونی برای توقیف فراهم نبوده و مستندات ابرازی در دستور قضائی بازرس محترم برای چنین تصمیمی کفایت نمی‌کند». انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران تاکید دارد: «در وضعیت کنونی کشور، حفظ امنیت روزنامه‌نگاری و تقویت توانایی فضای رسانه‌ای ملی کشور، ضروری‌تر از هر زمان دیگری است.»

تجربه دیگران

گردشگری

از راه شبکه‌های اجتماعی

● **چمدان**: گزارش جدید شرکت سوجرن نشان می‌دهد که تقریبا نیمی از کل تبلیغات سفر در سال ۲۰۱۸ به صورت دیجیتال بوده است و دوسوم بازار یاب‌های سفر اظهار داشته‌اند که در سال ۲۰۱۹ از فضای دیجیتال استفاده بیشتری خواهند کرد. در این میان به نظر می‌رسد کانال‌ها، سکوها و دیگر ابزار دیجیتالی که در شبکه‌های اجتماعی در دسترس قرار دارند، بیشترین توجه را جلب کرده‌اند به طوری که ۴۶ درصد از بازار یاب‌های سفر «آگهی‌های شخصی‌شده و پیشنهاد‌های ویژه لحظه‌ای» را برای تبلیغات انتخاب کرده‌اند. با وجود مشکلات حقوقی که در سال ۲۰۱۸ برای فیس‌بوک ایجاد شد اما درآمد حاصل از تبلیغات در سکوی این شبکه اجتماعی همچنان با سرعت بالایی به رشد ادامه داد و به حدود ۳۳ میلیارد دلار رسید زیرا فیس‌بوک آگهی‌هایش را برپایه جامعه هدف دقیق و در مقیاس جهانی وسیع عرضه می‌کند.

شترق روزنامه

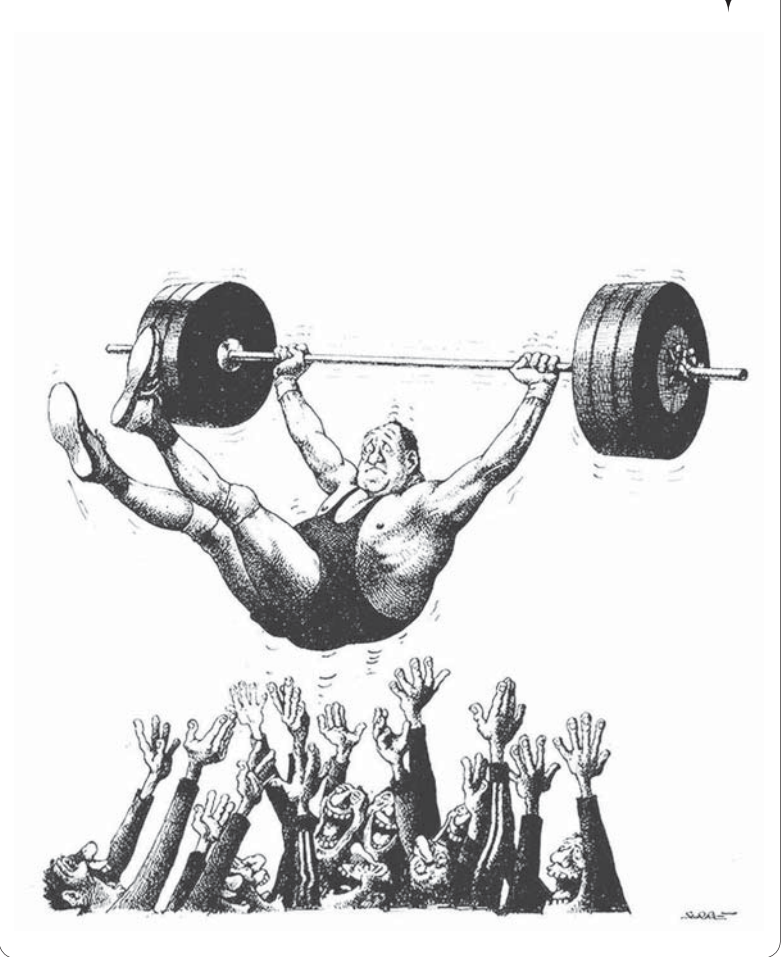
www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۳۹۷ ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ ۲۸ فوریه ۲۰۱۹
سال شانزدهم «شماره ۳۳۷۸ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۶ • اذان صبح فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

کلود سر



از حال برادرت* خبر داری؟

* در مبارزه با سرطان یک خانواده‌ایم



موسسه‌ی خیریه‌ی حامی بیماران مبتلایه سرطان

کمک از طریق شماره گیری

#۹۰۰*۴*۷۳۳*

تلفن: ۲۸۱۳۴ - ۰۲۱

www.samarcharity.org



عبدالله نامری

استاد بازنشسته دانشگاه

اگر بعد از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی، یک بار دیگر چرایی انقلاب و اهتمام عمومی بر سرنگونی رژیم پهلوی را بازخوانی کنیم، به نظر می‌رسد بین نیروهای سیاسی، روحانیون با یک هژمونی نتوانستند مطالبه‌ای کلی و فراگیر را به صورت انسجام اجتماعی در جامعه ایرانی شکل دهند. این به آن معنا نیست که سایر اتفاقات و دیگر گروه‌های سیاسی و اجتماعی در این انقلاب نقشی نداشتند، اما حتما باید بپذیریم که روحانیت با محوریت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، به‌عنوان یک طبقه گسترده دینی و مقبول در عموم جامعه ایران، اعم از روستانشین توسعه‌نیافته یا شهرنشینان کمی‌مدرن‌شده، بر این‌باور بودند که اینک زمان تحول اساسی و فراگیر در جامعه فرارسیده است. هرچند رژیم پهلوی از دهه ۴۰ خورشیدی به بعد، تحولاتی فرهنگی و اقتصادی را شکل داده بود و به تعبیر خود شاه، دروازه‌های تمدن بزرگ را کمی برای جامعه ایرانی گشوده بود، اما از آنجایی که این تحول فرهنگی و اقتصادی نسبتاً هماهنگ، با دنیای پیشرفته تحولات سیاسی همراه نبود، با وجود قدرت گسترده و فوق‌العاده نظامی در منطقه خاورمیانه، از آغاز شکل‌گیری جنبش‌های عمومی و حرکت‌های اجتماعی تا اعلان پایان تاریخ رژیم پهلوی، کمتر از ۱۴ ماه طول کشید و جامعه ایرانی و همه اقشار و طبقات اجتماعی و دینی آن بر این باور شدند که با شعارهای شکل‌گرفته یا ابلاغ‌شده از سوی رهبری انقلاب می‌توانند وارد دوران جدیدی از حیات اجتماعی خود شوند. یقیناً جامعه انقلابی آن روزگار بر این باور بود که نظام سیاسی جدید با شعارهای

دوران انقلاب خود، هماهنگ با تحولات فرهنگی و سیاسی، تحولات اقتصادی را نیز برای بهترشدن زیست اقتصادی مردم در نظر خواهد گرفت. این همه‌جانبه‌گرایی در نهایت از سوی بخشی از تنورسین‌های انقلاب مانند مرحوم شریعتی و مرحوم مطهری این نوید را می‌داد که دین و اقتصاد نمی‌توانند بدون توجه به یکدیگر، جامعه از قدیم و جدیدی و دیندار ایرانی را خوشبخت کنند.

با شکل‌گیری دهه اولیه که دوران جنگ و محدودسازی بین‌المللی کشور ما بود، سختی‌های زیست اقتصادی و سیاسی از آن جهت که جنگ مسئله اصلی مردم بود، آنچنان مورد مطالبه قرار نمی‌گرفت، اما همین مردم پس از پایان جنگ بر این باور بودند که با توجه به توانمندی اقتصادی حاصل از فروش نفت می‌توان هم خسارت حداقل مادی دوران جنگ را جبران کرد و هم تصویر روشنی از زیست اجتماعی- اقتصادی مطلوب ارائه داد. به همین دلیل دولت سازندگی بلافاصله بعد از جنگ با تکیه عمده بر پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی کار خود را شروع کرد و با توجه به همان میزان قدرت این نتیجه رسید که جامعه ایرانی توسعه‌نیافته باید برنامه توسعه اقتصادی متوازن و همه‌جانبه‌ای داشته باشد.

نمی‌توان بدون توجه به فرهنگ، سیاست و مطالبات مشروع مدنی، فقط ارایه اقتصادی را چرخاند و همین رویکرد سیاسی- اجتماعی زمینه‌ساز جنبش دوم خرداد شد. بدون آنکه نیازی باشد به دستاوردهای اقتصادی مهم دولت اصلاحات در کنار دستاوردهای مهم سیاسی و اجتماعی آن بردازیم و برعکس آن ضرورتی داشته باشد که به ویرانگری‌های ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت جانشین اصلاحات اشاره کنیم، این باور دور از منطق تاریخی نیست که هر نظام سیاسی باید همان‌قدر که دغدغه دینی و

زندگی، جنگ و حقیقت

استعاره‌های جنگ («جنگ فرهنگی»، «جنگجوی عدالت اجتماعی») مدام بیشتر می‌شود و هر کدام تلویحا از فروپاشی زمینه‌های سیاسی مشترک حکایت دارد. تحولات اساسی دهه گذشته را از جمله می‌توان با نگاهی به پوپولیسم سیاسی و افزایش بحث در مورد «پساحقیقت» و «اخبار جعلی» دریافت که نشان از شرایط جنگی و تبلیغات جنگی در دموکراسی‌ها می‌دارد.

این اصل که عملیات نظامی و غیرنظامی باید از هم جدا باقی بمانند، از پایان جنگ‌های مذهبی و داخلی در اواسط قرن هجدهم در اروپا، سنگ بنای سیاست لیبرال بوده است. تقسیم‌بندی مدرن بین ارتش و پلیس مدنی در انگلستان قرن ۱۷ میلادی آغاز شد و از آن زمان، حاکمیت قانون از نیروی نظامی متمایز شد. اما نگاه مخالفی نیز از مدت‌ها پیش وجود داشته که جدایی میان دولت و ارتش یک توافق مصالحه‌جویانه است که باید بر آن غلبه کرد. این نیز تصادفی نیست که این روزها ناسیونالیست‌ها به ویژه از تعبایر جنگی استفاده می‌کنند: جنگ‌هایی که به تخیل ناسیونالیستی دامن می‌زنند، صرفا امور نظامی نیستند، بلکه سیاست‌مداران، غیرنظامیان و زیرساخت‌ها را درگیر می‌کنند. ناسیونالیست‌ها از زمان جنگ‌های ناپلئونی از جنگ به شکل ایستاری و برای ایجاد همبستگی ملی استفاده می‌کردند.

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که شرایط جنگی را از زندگی در صلح متمایز می‌کند، وعده واکنش فوری و بدون تأخیرهایی است که بحث‌های دموکراتیک یا تحلیل کارشناسان ایجاد می‌کند. البته جنگ نیز نیاز به دانش دارد، اما نه از نوعی که در زمان صلح با آن آشنایی داریم. در جامعه مدنی، داده‌هایی که اقتصاددانان، آمارگیران، خبرنگاران و دانشگاهیان ارائه می‌دهند، در حالتی صلح‌آمیز با مبانی مشترک مورد توافق قرار می‌گیرد... اما جنگ نیاز به سیستم

پرنده آبی

خانه‌تکانی

و در عبث‌بودن خانه‌تکانی بسیاری داستان‌سرایی کرده‌اند: «به لحظه تصور کن خونه رو تکوندی و سر روز بعد عید پسر کوچیک عمه‌تون رو میل‌هایی که دستتو درد گرفت تا بخارشور کشیدی کاکائو بریزده.

برخی هم توصیه می‌کنند هرآنچه را که یک سال یا آن کاری نداشتید بیرون بریزید، شاید کمی از زحماتتان کم بشود: «کمی تا حدودی می‌تونم درک کنم کادوی مزخرفی که در ۱۶ سالگی گرفتم رو چرا هنوز نگه داشتم؛ ولی این‌که چرا بعد این‌همه سال هنوز از شر مجموعه کتاب‌های دیفرانسیل و مکانیک کوانتوم چ و باقی کتب فیزیک خلاص نشدم الله اعلم!»

در نهایت همه این توییت‌ها و اظهارنظرها درباره خانه‌تکانی در کنار رگه طنز آن، ابعادی سیاسی نیز به خود می‌گیرد.

دور دنیا

تخصصی و دانش دیگری دارد که به جهان به چشم مکانی نامطمئن و پرتخاصم و بی‌ثبات نگاه کنند... . اتفاق دیگری در این میان در جریان است. به دلیل تغییرات تکنولوژیکی ۳۰ سال گذشته یا بیشتر که ابتدا از سیستم مالی شروع شد و بعدا به رسانه‌هایمان کشید، تصمیم‌گیران سیاسی هر روز بیش از گذشته وادار می‌شوند در زمان کوتاهی به جریان پیوسته‌ای از داده‌ها واکنش نشان دهند. (یک ویژگی ذهنیت نظامی این است که زمان زیادی ندارد). بسیاری از اضطراب‌های ناشی از «پساحقیقت» و «اخبار جعلی» واقعا عارضه‌های عرصه عمومی هستند که داده‌ها در آن چنان با سرعت و حجم زیاد جریان می‌یابد که به نقطه‌ای می‌رسیم که با باید به‌غریزه خود اعتماد کنیم یا وابسته و پیرو دیگران شویم. به همین دلیل است که توییت کاربران را به «دنبال‌کردن» یکدیگر تشویق می‌کند و این استعاره‌ای است که نشان می‌دهد در میان رسوب داده‌ها، حقیقت در نهایت توسط یک مرجع تعیین می‌شود. در میان مشکلات و تهدیداتی که در حال حاضر دموکراسی‌های لیبرال با آن مواجه هستند، مانند تغییرات اقلیمی و دشواری اقتصادی روزافزون جمعیت آسیب‌پذیر و... تقسیم‌بندی‌های سیاسی آشنا مبتنی بر طبقه و هویت اکنون به سرعت بازمی‌گردند و ظهور می‌کنند و جنبش‌های تازه و غیرمنتظره‌ای را برمی‌انگیزند که رسانه‌های اجتماعی آن را تسهیل می‌کنند.

زمانی که ناسیونالیست‌ها استعاره‌ها و نمادهای جنگ را معرفی می‌کنند، به این حس واقعی و واقع‌گرایانه متمسک می‌شوند که زمان رو به پایان است. اما برای آن عده از ما که دلمان می‌خواهد کمتر سرباز در خیابان ببینیم تا بیشتر، چالش این است که پاسخی مدنی - نه نظامی - برای مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بیابیم که چنان به سرعت در حال افزایش هستند که مانند سربازان دشمن به‌نظر می‌رسند.